دستچین

■ **چه کسی نگران رتبه‌بندی معلمان است؟**

به گزارش خانه ملت؛ مهرداد ویس‌کرمی، عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی در توییتی نوشت: اینک که لایحه رتبه‌بندی معلمان باوجود تنگناهای فراگیر به تصویب رسیده، دعوت جدید به تجمع معلمان با کدام منطق صورت می‌گیرد؟ به‌راستی چه کسی از اجرای رتبه‌بندی و رضایت نسبی معلمان نگران است؟

■ **اجحاف به اعضای صندوق‌های بازنشستگی**

به گزارش خانه ملت، سید غنی نظری خانقاه، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در توییتی نوشت: تعویق دوساله بازنشستگی، هزینه از جیب ملت به نفع صندوق‌های بازنشستگی است. قرار نیست سوءمدیریت صندوق‌ها با اجحاف به اعضای صندوق‌ها جبران شود. این تبصره تعارض آشکار با تسهیل کسب و کار جوانان دارد.

■ **پیگیری جدی مجلس برای افزایش ظرفیت پزشکی**

به گزارش خانه ملت؛ احمد نادری، نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در توییتی نوشت: در صورتی که شورای عالی انقلاب فرهنگی، منافع عده‌ای خاص را بر منافع ملی ترجیح دهد قطعاً و فوراً در مجلس افزایش ظرفیت پزشکی و دندانپزشکی را پیگیری خواهیم کرد.

■ **حدود ۷/۵ میلیون بی‌سواد داریم**

بر اساس گزارش روابط عمومی سازمان نهضت سوادآموزی، شاپور محمدزاده رئیس سازمان نهضت سوادآموزی گفت: در برآورد سال ۱۴۰۰ نرخ باسوادی در ایران از ۸۷/۶ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۹۰/۵ درصد افزایش یافته، اما متأسفانه هنوز جامعه ما با حدود ۷/۵ میلیون بی‌سواد روبه‌رو است.

علیرضا شریفی یزدی
روان‌شناس اجتماعی

علیرضا شریفی یزدی، روان‌شناس اجتماعی معتقد است سلبریتی‌ها برای اینکه نظم برقرار باشد و هوادارها برای آن‌ها ایجاد مزاحمت نکنند از بادیگارد استفاده می‌کنند که عمدتاً هم این اتفاق در برگزاری مراسم می‌افتد. ولی در ایران اولا تعداد مراسمی که برگزار می‌شود خیلی اندک است و دیگر اینکه بیشتر سلبریتی‌های ما نه به بادیگارد احساس نیاز کرده و نه از آن استفاده می‌کنند، بنابراین به نظر می‌رسد استفاده از بادیگارد از سوی بعضی از آن‌ها بیش از آنکه برای ایجاد نظم و آرامش باشد، یک جور نمایش و نشان دادن تمایز اجتماعی است؛ در واقع این افراد بین خود و توده مردم وجه تمایز قائل‌اند.

بررسی حقوقی، روان‌شناسانه و جامعه‌شناختی دلایل استفاده سلبریتی‌ها از محافظ شخصی

بادیگارد تفاخر

محمود مصدق | بادیگارد یا محافظ شخصی داشتن بعضی از سلبریتی‌ها بار دیگر حاشیه‌ساز شده است. همین چند روز پیش بود که سردار رحیمی، رئیس پلیس تهران بزرگ از برخورد با سه بادیگارد یک بازیگر که فیلم حضورشان در یک مکان عمومی در فضای مجازی منتشر شده بود، خبر داده و به صراحت گفته بود: «بارها اعلام کرده‌ایم چیزی به نام بادیگارد نداریم؛ تنها مراکز رسمی درباره مراقبت و حراست‌ها، شرکت‌های انتظام هستند».

هرچند وی به دلایل و چرایی برخورد با این سه محافظ اشاره نکرده، اما این اظهارات به‌خوبی نشان می‌دهد نهاد پلیس هیچ‌گونه وجاهت قانونی برای کار بادیگاردی قائل نیست و شاید به همین خاطر است که هر از گاه درزمینه این نوع فعالیت هشدار می‌دهد. چندی پیش نیز سردار محمد شرفی، جانشین معاون هماهنگ‌کننده نیروی انتظامی و رئیس سابق پلیس پیشگیری ناجا در این زمینه گفته بود: براساس قوانین و مقررات، موضوعی با عنوان «بادیگارد» به صورت رسمی و قانونی تعریف نشده است و هر کسی از این عنوان استفاده کند یا رفتارهایی شبیه به بادیگاردها داشته باشد، حتماً مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد و پلیس نیز مکلف به برخورد با چنین مواردی است.

البته با همه این هشدارها باز هم اطراف بعضی از سلبریتی‌ها بلندقامتانی تنومند با کت و شلوارهای یک‌دست مشکی و عینک بر چشم و هندزفری در گوش می‌توان دید که برای حفاظت انتخاب شده‌اند.

با این حال یافتن پاسخ این چند پرسش ضروری است؛ نخست اینکه قانون مجازات اسلامی چه نگاهی به داشتن محافظ شخصی توسط سلبریتی‌ها دارد و آیا این موضوع در قانون جرم‌انگاری شده است؟

دوم چه عواملی موجب شده افرادی که در زمینه‌های مختلف مثل موسیقی، هنر، ورزش و... در جامعه شناخته شده هستند برای حضور در برخی مراسم و اماکن عمومی از محافظ شخصی استفاده کنند؟ آیا این افراد که از آن‌ها با عنوان سلبریتی یاد می‌شود واقعاً احساس امنیت نمی‌کنند یا اینکه موضوع چیز دیگری است؟ و سرانجام اینکه در مقابل این پدیده که در چند سال اخیر در ایران گسترش یافته و خودنمایی می‌کند، چه باید کرد؟

■ **استفاده از محافظ شخصی جرم‌انگاری نشده**

عبدالصمد خرمشاهی، وکیل پایه یک دادگستری در پاسخ به قدس می‌گوید: استفاده از محافظ شخصی در قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری نشده و بادیگارد تا زمانی که مرتکب تخلفی نشده باشد، مجرم شناخته نمی‌شود. یعنی به صرف اینکه فردی بادیگارد دارد، نمی‌توان گفت اقدامی مجرمانه انجام داده یا کسی که به عنوان محافظ شخصی در کنار یک سلبریتی قرار می‌گیرد هم همین‌طور.

وی در همین زمینه می‌افزاید: اگرچه استفاده از بادیگارد منع قانونی ندارد اما اگر محافظ شخصی مرتکب خلافی شود مثلاً به صورت غیرمجاز سلاح گرم و سرد مثل اسلحه، شوکر، گاز اشک‌آور، اسپری فلفل و چاقو به همراه داشته باشد قطعاً مجرم شناخته می‌شود و مجازات خواهد شد.

خرمشاهی با اشاره به اینکه پلیس و دستگاه‌های دیگر امنیتی برای سلبریتی‌ها مجوز استفاده از بادیگارد را صادر نمی‌کنند، می‌افزاید: اما تا زمانی که بادیگاردها مرتکب جرمی نشده باشند، نظم منطقه را به‌هم نزده باشند و اشیای ممنوعه به همراه نداشته باشند با آنان برخورد نمی‌شود و اگر این اتفاق بیفتد وجاهت قانونی نخواهد داشت.

■ **بعضی سلبریتی‌ها شخصیت نمایشی دارند**

علیرضا شریفی یزدی، روان‌شناس اجتماعی هم به موضوع سلبریتی‌ها و دلایل استفاده آنان از بادیگارد اشاره می‌کند و به قدس می‌گوید: تحقیقات نشان می‌دهد سلبریتی‌های تراز اول کشورمان از بادیگارد استفاده نمی‌کنند، در واقع کسانی بیشتر از بادیگارد استفاده می‌کنند که چندان هم مشهور نیستند که این موضوع بیشتر برای خودنمایی است. درواقع می‌خواهد با این کار نشان دهد آدم مهمی است که ما در قالب روان‌شناسی به این‌گونه افراد، شخصیت نمایشی می‌گوییم، چون از هر ابزاری برای نمایش خود استفاده می‌کنند که به‌کارگیری محافظ شخصی یکی از این ابزارهاست.

شریفی یزدی با بیان اینکه به‌کارگیری بادیگارد توسط سلبریتی‌ها در ایران هیچ پایه قانونی ندارد، تصریح می‌کند: در بسیاری از کشورهای دنیا یکسری مؤسسات به صورت مجاز و قانونی برای حفاظت و تأمین امنیت فردی و خانوادگی شخصیت‌های تراز اول و یا برای یک تشکیلات اقتصادی و هنری و... فعالیت می‌کنند اما در ایران بر اساس قانون چنین تشکیلاتی نداریم. ضمن اینکه امنیت برای سلبریتی‌ها برقرار است و تاکنون هم اتفاق خاصی برای سلبریتی‌های ما نیفتاده و یا جایی نبوده که آن‌ها حضور داشته باشند و آنجا دچار بی‌نظمی شده باشد.

وی ناتوانی بعضی از سلبریتی‌ها در ایجاد تعادل بین توانمندی هنری و توانمندی اجتماعیشان را عاملی برای شکل‌گیری پدیده استفاده از بادیگارد می‌خواند و می‌گوید: یعنی به آن اندازه که هنر فرد رشد کرده، توانمندی‌های اجتماعی و ارتباط با توده مردم در این افراد شکل نگرفته و رشد نیافته است. در حالی که سلبریتی‌های تراز اول کشور خیلی مردمی هستند.

او در همین زمینه می‌افزاید: البته در شکل‌گیری این پدیده عوامل دیگری هم دخیل هستند. مثلاً به لحاظ فرهنگی کل جامعه رشد نکرده است. یکی از دلایلی که موجب می‌شود سلبریتی‌ها به سمت استفاده از بادیگارد بروند تجمل‌گرایی است، چون امروز تجمل‌گرایی در بین جوانان ما به‌شدت رواج یافته و سلبریتی هم همان کاری را می‌کند که برآیند جامعه است.

این روان‌شناس اجتماعی با اشاره به اینکه پدیده یاد شده نشان می‌دهد ارزش‌های غلط و منفی جای ارزش‌های درست را گرفته، می‌افزاید: جامعه ما دست‌کم در سال‌های نخست انقلاب ارزش‌های روشن و مشخصی داشته که بسیاری از جوانان ما به خاطر آن ارزش‌ها جانشان را از دست دادند، اما متأسفانه و بدون تعارف باید اذعان کرد این ارزش‌ها دارند رنگ می‌بازند. برای اثبات آن هم کافی است به سطح شهرها برویم. البته این موضوع در بین بعضی از سلبریتی‌های ما به‌خوبی دیده می‌شود. یعنی دغدغه‌ای که سلبریتی‌های ما در دو دهه قبل داشتند از نوع اجتماعی بود اما امروز دغدغه بخشی از آنان داشتن بادیگارد، مدل خودرو، برند لباس و... است.

شریفی یزدی درخصوص پیامدهای پدیده به‌کارگیری محافظ شخصی از سوی بعضی از سلبریتی‌ها هم می‌گوید: نخستین پیامدش دامنگیر خود این افراد می‌شود و آن اینکه توده مردم آنان را از خود نمی‌دانند و از آن‌ها فاصله می‌گیرند. مثلاً وقتی از همان خانم هنرپیشه‌ای که دو بادیگارد داشت می‌پرسند چه نیازی به بادیگارد دارد در پاسخ می‌گوید چون پولش را دارد از آن استفاده می‌کند. قطعاً مردم چنین هنرمندی را از جنس خود نمی‌دانند و به همان نسبت از او فاصله می‌گیرند. در حالی که بسیاری از مردم به لحاظ اقتصادی در شرایط نامناسبی به‌سر می‌برند، هنگامی که یک سلبریتی با چنین تشکیلاتی در اماکن عمومی ظاهر می‌شود موجب رنج و اندوه مردمی می‌شود که در تأمین نیازهای اولیه زندگیشان دچار مشکل هستند. ضمن اینکه این موضوع عطش و نیاز به مشهور شدن و دیده شدن را در نوجوانان و جوانان تقویت می‌کند به‌طوری که آنان آرزو می‌کنند ره صد ساله را یک‌شبه طی کنند.

وی درباره راهکارش برای مقابله با پدیده یاد شده هم می‌گوید: در وهله نخست در سطح کلان باید فکری برای ارزش‌های اساسی جامعه کرد. خانواده‌ها، رسانه‌ها و مهم‌تر از همه آموزش و پرورش باید بتوانند ارزش‌های درست را در جامعه احیا کنند. علاوه بر این باید از شعارزدگی عبور کنیم و در مقام عمل قرار بگیریم. ضمن اینکه نهادهای نظارتی مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن‌های صنفی، سلبریتی‌ها را نسبت به نوع پوشش، آراستگی، سبک زندگی و... توجیه کنند، چون آنان یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع هستند که نوجوانان و جوانان به آن‌ها تأسی می‌کنند.

■ **صنعتی برای مصرف شدن**

سیدجواد میری، دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هم ریشه موضوع را در تمایز و تفاخر اجتماعی می‌بیند و به قدس می‌گوید: این تمایز خود را به اشکال مختلف نشان می‌دهد و تبدیل به یک عادت‌واره می‌شود، عادت‌واره هم یک چارچوب رفتاری و اجتماعی را شکل می‌دهد که به‌تدریج یک قشر اجتماعی و یا یک گروه اجتماعی ایجاد می‌شود که این گروه منفک از تغییر و تحولات اجتماعی خواهند شد، چون ذائقه و نوع نگاه، خوانش و ادبیاتشان متفاوت است.

وی با اشاره به اینکه تمایز اجتماعی صرفاً یک موضوع مفهومی و انتزاعی نیست بلکه یک صورت انضمامی هم دارد، می‌افزاید: این موضوع موجب می‌شود فرد در یک زنجیره مصرف متمایز هم قرار بگیرد. مثلاً برای اینکه کودکش را به‌دنیا بیاورد به یک بیمارستان لاکچری در فلان کشور پیشرفته دنیا می‌رود و... یعنی فردی که تمایز طبقاتی پیدا کرد، این تمایز را به شکل‌های مختلف تولید و بازتولید می‌کند. در واقع از منظر جامعه‌شناختی؛ سلبریتی، صنعتی برای مصرف شدن است. مثلاً هنرپیشه‌ای مشهور می‌شود و در کنار این شهرتش سس گوجه‌فرنگی و.... فروخته می‌شود و به همین خاطر در مدتی که در اوج هستند تمام تلاش خود را می‌کنند که مصرف شوند تا هم سرمایه خود را افزایش دهند و هم موجب گسترش آن صنعت شوند.

ادبیات قومی و محلی وارد کتاب‌های درسی می‌شود؟

حسن ملکی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به پانا گفت: براساس اصل ۱۵ قانون اساسی، زبان‌های اقوام مختلف نباید در کتاب‌های درسی وارد شود و زبان آموزش، فارسی است. آنچه مورد تأکید مجلس است ادبیات قومی و محلی است که وارد کتب درسی شود. بنا شده برای آینده در آموزش ادبیات اقوام مختلف در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گام‌های بیشتری برداشته شود.

جامعه

قدس

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای اکرم داود میرقی آبفیضی وکیل مراغی شهریور دارای شناسنامه شماره ۵۰-۲۰-۱۰-۵۰-۰۰۰